



۲۰۱۸/۰۹/۲۱

عارف عباسی

تجاوز بر ناموس دموکراسی « حکومت وحدت ملی »

برای توصیف نظام برقرار سیاسی افغانستان عنوان موزون تری از این نیافتیم.

تشکیل حکومت وحدت ملی تاحال نزد اکثریت هموطنان بحیث یک معما باقیست و هزاران سؤال مردم لاجواب مانده. همه می دانند که در اواخر شمارش دوباره و چچ کردن چل از ناچل توسط نمایندگان جامعه جهانی سر و کله "جان کری" (John Kerry) وزیر خارجه اسبق امریکا پیدا شد و تدبیری به کار بست که در قاموس دموکراسی و انتخابات نبود و یک بار دیگر افغانستان را علاوه بر آزمایشگاه جنگی آزمایشگاه سیاسی خود ساختند.

معلومات تازه نیست، همه شنیدیم و خواندیم که کمیسیون انتخابات بعد از باز شماری آراء داکتر اشرف غنی احمدزی را به حیث برنده اول داکتر عبدالله عبدالله را برنده دوم اعلام نمود.

از برای خدا، و به نام یک نظام سیاسی که دموکراسی می گویند انتخابات برای هر مقام یک برنده دارد و بس هر آن که بیشترین رأی را به دست می آورد حائز آن مقام می شود و برنده دوم در آن گنجانیده نشده و تا حال شنیده نشده. انتخابات، مسابقات المپیک نیست، حتی در مسابقات المپیک به برنده اول مدال طلا و دومی را مدال نقره می دهند.

قبل از این که این بحث را دنبال کنم، بیائید که حقیقت این راز نهفته را در نوشته "جارج پیکر" (George Packer) که «نیویارکر نیوز New Yorker News» نشر شده بود بیابیم مقاله مبسوطی که در مورد شخص داکتر اشرف غنی احمدزی نوشته شده (تا حال بنا بر طولانی بودن موفق به تکمیل ترجمه نشده ام).

در این مضمون در زمره دیگر موضوعات تذکر رفته که در ختم تفتیش، بازنگری، جدا نمودن آراء جعلی از اصلی و محاسبه دقیق هیأت بین المللی John Kerry از جرمنی در نیمه شب به اشرف غنی تلفون کرده گفت «نتایج بررسی مطلوب نیست تقلبات هر دو جانب زیاد است و از جانب شما بیشتر است و اعلام این نتیجه مطابق میل و توقع ما نیست. من اعلام نتایج را معطل ساخته و راه حل سیاسی را پیشنهاد می کنم که حین مواصلتم به کابل با شما و داکتر عبدالله مطرح می نمایم».

طرح تشکیل حکومت وحدت ملی از این جا گذاشته شد. و به داکتر اشرف غنی و داکتر عبدالله دستور داده شد که در چوکات نظام ابتکاری سیاسی «وحدت ملی» مشترکاً همکار شوند .

"جان کری" خوب می دانست که این یک وصلت ناجور است و از اختلافات ذات البینی هردو واقف بود، برایش آشکار بود که این دو پرورده دو فرهنگ کاملاً متفاوت اند. عبدالله عضو متعهد شورای نظار و حافظ منافع این شورا و حزب جمعیت اسلامی و خواهان تداوم نفوذ سران جهادی است و تا حد زیاد قوم گراء و گرگ باران دیده، اشرف غنی تکنوکرات، فرضیه گراء، کرم کتاب و نابلد با خم و پیچ کوچه ها و پس کوچه های فرهنگ متداول سیاسی داخلی و زور بت های تراشیده تیشه بران تزویر کرزی .

اما برای «جان کری» این مسائل مهم نبوده و پیروی از اصول دموکراسی اهمیت نداشته و به آراء ملت افغانستان ارزشی قائل نشده و حق مسلم مردم را در تبارز حاکمیت ملی و تعیین مقدرات وطن شان سلب کرد.

"جان کری" با یک تیر دو فاخته را هدف قرار داد، شخص مورد نظر شان (غنی) را به قدرت رساند و عده سال ۲۰۰۹ خود را به عبدالله ایفا نمود. (این که عبدالله در برابر گرفتن چه مبلغی "سند ندارم" به نفع کرزی کنار رفت ولی منابع خبیر گفتند که برایش و عده به قدرت رساندن داده شده بود).

توافق نامه سیاسی:

این توافق نامه به دلایل ذیل از لحاظ حقوقی و قانونی مدار اعتبار نیست:

۱ - مذاکرات بالای توضیح جزئیات تقسیم قدرت در چوکات این توافق نامه وقتی صورت گرفت که طرفین فاقد شخصیت حکمی و قانونی رهبری و یا زعامت بودند رسماً و قانوناً در کرسی نه نشسته بودند پس هر دو از لحاظ قانون و حقوق دو تبعه عادی افغان بودند و این توافق نامه زمانی اعتبار قانونی می داشت که:

الف- اشرف غنی به حیث رئیس جمهور حلف وفاداری یاد کرده در این محفل فرمان تقنینی مبنی به ایجاد ریاست اجرائیه و تقرر داکتر عبدالله به حیث رئیس اجرائیه قرائت شده و عبدالله به نوبه خود حلف وفاداری یاد می کرد.

در این شرائط این دو بداشتن شخصیت حکمی و قانونی می توانستند توافق نامه سیاسی را مطرح و روی جزئیات آن بحث و موافقه نمایند.

ب- چون در قانون اساسی ریاست اجرائیه و مقام ریاست اجرائیه گنجانیده نشده که ایجاب تعدیل قانون اساسی را می نمود که حتی بالاتر از صلاحیت پارلمان بود.

۲ - مذاکرات پیرامون توافق نامه سیاسی که در حدود یک ماه را در بر گرفت حاوی تلاش های هر دو جناح برای دو منظور خاص بود.

جناح اشرف غنی سعی می ورزیدند که با استفاده از نام رئیس جمهور به نحوی در عمل تفوقی به اشرف غنی بخشیده برایش صلاحیت فرمان دهی بدهند.

ولی جناح داکتر عبدالله مانع ایجاد بند و ماده ای شدند که دلالت به آمر بودن اشرف غنی و مآدون بودن عبدالله نماید و ایشان پا فشاری بر اصل دستور مقام ارشد کردند که هر دو صرف با تفاوت نام دارای صلاحیت های مساوی اند هم در زعامت قدرت مساوی است و هم در مسؤولیت و جواب دهی .

در انگلیسی متلی است که می گویند نباید بر شیر ریخته شده گریست. حالا نظر دادن و تبصره نمودن بالای چگونگی و طرز العمل توافق نامه و تجارب حاصل شده بسیار نا وقت و حتی بی مورد است، اما باز هم به خاطر خیر و صلاح مملکت و جلوگیری از همه جار و جنجال، مناقشات، کار شکنی و مصارف بیهوده، بهتر بود هر دو به حیث رؤسای جمهور اعلام و لایحه وظایف شان جدا می شد مثلاً اشرف غنی وظایف امور انکشاف اقتصادی و اجتماعی و روابط بین المللی را عهده دار می شد و عبدالله امور امنیتی، دفاعی و قضایی را به عهده می گرفت البته که این گپ ها خینه بعد از عید است.

حکومت وحدت ملی در عمل برای افغانستان چه کرد؟

به عبدالله پیشنهاد شد که در ارگ دفتر داشته باشد، گفت قبول ندارم قصر دیگری را دفتر ساخت و مانند ریاست جمهوری برای خود معاونین و مشاورین تعیین نمود. دفتر تشریفات و گارد محافظین خود را برگزید.

بودجه ریاست اجرائیه را شورا به دلیل قانونی نبودن آن منظور نکرد و توسط کمک جداگانه امریکا تمویل شد.

از بدو مرحله بین این دو (غنی و عبدالله) توافق نظر در هیچ موردی وجود نداشته وعده های سپرده شده هر دو به ملت، فدای مناقشات و منازعات موضوعات جزئی و پیش پا افتاده گردید. از وحدت و همکاری برای صیانت منافع عالیای وطن خبر و اثری نبود و نیست. متأسفانه این حکومت دست آوردی قابل تذکر در این چهار سال برای بهبود حال مملکت ندارد.

عبدالله برای گرفتن صلاحیت های مساویانه سعی بلیغ به جا آورد ولی از قبول کردن مسؤولیت با مهارت خاص شانه خالی کرد و در همه ناکامی ها و نابسامانی ها "اشرف غنی" ملامت است و انگشت انتقاد به سوی او دراز است.

"عبدالله عبدالله" با مخالفین و متمردين حکومت روابط حسنه را نگهداشت و به زیارت آن ها شتافت.

معاون اول داکتر "عبدالله عبدالله" خود سرانه به ترکیه رفته ضلع سوم ائتلاف سه گانه را ساخت.

این بود شرح مختصر حال حکومت دو زمامدار دلیل ایجاد حکومت نام نهاد «وحدت ملی».

پایان

